



یاد فروغ فرخزاد و روز جهانی در کانون فیلم



نود و دومین برنامه «کانون فیلم» زیر نظر حسن فیاد و با همکاری یاران کانون، یکشنبه ۲۸ ماه فوریه سال ۲۰۱۰، در محل کانون برگزار شد و روز خجسته جهانی زن را به یاد فروغ فرخزاد، جشن گرفت. به یاد زنی شاعر که به ما عشق ورزیدن، شهامت داشتن، و مهمتر از همه، انسان بودن را آموخت و با هنرش دریچه هائی تازه، خیال انگیز، و حیرت آور به رویمان گشود و معیارهائی والا و دست نیافتنی از خود به جا نهاد.

در این برنامه، پری امینی، نقاش بزرگ ایرانی، چهره ای از مادر ترسا را که به سبک نقطه گذاری ساخته است به نمایش گذاشت. در ابتدای برنامه، رضا بدیعی، کارگردان نامدار ایرانی، شیرین بذله فیلمساز برجسته ایرانی را معرفی کرد. سپس فیلم های «سفری به آبادان: بهشت گمشده» و «مادر ترسا: چهره ای یگانه» ساخته شیرین بذله به نمایش گذاشته شد.

شیرین بذله زمانی که پدرش در پالایشگاه آبادان کار می کرد، در آبادان به دنیا آمد. در آن جا بزرگ شد و به مدرسه رفت. بذله در سال ۱۹۹۲ پس از بیست سال زندگی در آمریکا، برای دیدار خویشاوندان و دوستان خود به ایران بازگشت و در صدد بر آمد

از زادگاه محبوب خود آبادان دیدن کند. جنگ هشت ساله ایران و عراق تازه پایان یافته بود و به علت محدودیت مسافرت به این منطقه جنگ زده، بذله ابتدا با قطار از تهران به اهواز رفت و سپس با اتوبوس به خرمشهر سفر کرد و از آن جا نیز، با عمو زاده های خود با وانتی به آبادان، به محله هائی رفت که بهترین دوران کودکی خود را در آن جا گذرانده بود. دیدار از محله های جنگ زده و ویران، خاطرات شیرین گذشته و روزگاران از دست رفته را در او زنده کرد بطوری که می توان گفت فیلم جالب «آبادان: بهشت گمشده» حاصل این سفر شخصی و خاطره انگیز شیرین بذله است.

شیرین بذله فیلم مستند «مادر ترسا: چهره ای یگانه»، برنده جایزه «Gracie» را در سال ۱۹۹۷، یک سال پیش از درگذشت مادر ترسا تهیه، کارگردانی و تدوین کرد. این فیلم زندگی اگنس بوژیو کوچکترین فرزند از سه فرزند خانواده اش را دنبال می کند که در یوگسلاوی سابق به دنیا آمده بود. بذله، در این فیلم همچنین به بررسی سفر اگنس به قاره دوردست هندوستان می پردازد. مادر ترسا در هندوستان توانست با تغییر و تحولی که هر بار در یک نفر به وجود می آورد، روابط انسانی را در سطح جهانی دگرگون کند و به همین جهت به صورت یکی از چهره های بسیار قدرتمند و سرشناس قرن بیستم در آید.

شیرین بذله با دسترسی بی سابقه ای به خانه های مادر ترسا از قبیل «جذام خانه»، «خانه درماندگان و معلولان» و دیگر بیماران و بی نوایان توانسته است وضع رقت بار آن ها و فعالیت های مادر ترسا را در دل کلکته پر جمعیت هندوستان ترسیم کند. همچنین ضمن گفتگو با «ناوین چاولا»، نویسنده زندگینامه مادر ترسا، «چی کارکاری» روزنامه نگار و مورخ، و نیز «مارتین شین»، هنرپیشه و انساندوست، چهره یگانه و جامعی از مادر ترسا، یکی از زنان شگفت انگیز و ستودنی زمانه ما را به نمایش بگذارد.

اگنس، مادر، دوستان و خانواده خود را در هیچده سالگی ترک گفت تا به «صومعه لورتا» در ایرلند بپیوندد. راهبه های این صومعه برای خدمت به بینوایان به

وداع با جی. دی. سالیانجر: نویسنده رمان «ناطور دشت»



پس از آنکه رمان «ناطور دشت» در سال ۱۹۵۱ در صحنه ادبی جهان شور و غوغایی بوجود آورد، جی. دی. سالیانجر، نویسنده آن، به پول، شهرت و تحسین منتقدان - همه چیزهایی که هر نویسنده ای آرزو می کند - دست یافت. «ناطور دشت» به شکل معیاری برای فرهنگ نوجوانانی درآمد که تازه پس از جنگ جهانی دوم در جامعه آمریکا پا به عرصه وجود گذاشته بودند. این معیار، از آن پس تاکنون، همچنان برای هر نسل جوان باز مانده و جذابیت خود را از دست نداده است. سالیانجر، اما، در عوض لذت بردن از شهرت و محبوبیت، کنج انزوا گزید و در راه

روی همگان بست. پس از انتشار یک رمان درخشان، یک رمان کوتاه، و چندین داستان کوتاه، از علاقه مندان آثار خود که خواهان دیگر نوشته هایش بودند، روی بازگرداندن و در سال ۱۹۶۵ بکلی از چاپ آثار خود اجتناب ورزید.

خواه این تصمیم سالیانجر را بر عقیم شدن نویسنده یا مثل هولدن کوفیلد، قهرمان «ناطور دشت»، بیگانگی از خویشتن تلقی کنیم، سکوت عبوسانه سالیانجر بر تعداد علاقه مندان آثارش بیشتر افزود. وی همچنان تا دم مرگش به صورت یک معما باقی ماند.

داستان های سالیانجر، که ماه گذشته در نود و یک سالگی در گذشت، اغلب طنز آمیز و بدبینانه و از زندگی و تجربیات شخصی خودش مایه گرفته است. سالیانجر در داستان هایش توجه خود را روی خصوصیات اخلاقی شخصیت های خود متمرکز می کرد؛ شخصیت هایی که در جستجوی یافتن مفهومی در دنیائی بودند که وحشت ناشی از جنگ جهانی دوم زندگی آن ها را بکلی دگرگون کرده بود و سالیانجر نیز خود یکی از این کسانی بود که در چنین دنیائی مشارکت داشت.

کوفیلد، یکی از شخصیت های نمونه و بارزی که سالیانجر در رمان «ناطور دشت» خلق کرده است، مثل سالیانجر، در مدرسه توفیقی نیافت و در برابر دنیائی که با او رفتاری خصمانه داشت، گوشه گیر شد. سالیانجر در مصاحبه ای گفته است: «آرامش خارق العاده من در منتشر نکردن نوشته هایم هست. زیرا انتشار آثارم را به منزله تجاوز به زندگی شخصیت تلقی می کنم. من عاشق نوشتن هستم ولی فقط برای خوشنودی خودم می نویسم.» سالیانجر همیشه به نویسندگان تازه کار توصیه می کرد که: «برای خودت بنویس» و توجهی به تحسین و ستایش دیگران نداشت.

جرومی دیوید سالیانجر از پدری یهودی و مادری ایرلندی-اسکاتلندی در سال ۱۹۱۹ در نیویورک به دنیا آمد. به چند مدرسه رفت اما شاگرد متوسط و ناموفقی بود. در سال ۱۹۳۴ به مدرسه نظام رفت. در نمایشنامه های این مدرسه بازی کرد. سالنامه این مدرسه را ویرایش کرد. تصنیفی برای کلاس سرود و داستان های کوتاه نوشت. اغلب حوادث رمان «ناطور دشت» سالیانجر از تجربیاتش در این مدرسه مایه گرفته است. سالیانجر پس از اتمام این مدرسه یک سالی را به بطالت گذراند. آنگاه

هندوستان فرستاده می شدند. آگنس در سال ۱۹۲۸ به کلکته رفت و به تدریس جغرافیا به کودکان محروم و تهیدست محل در چهار دیواری «صومعه لورتا» پرداخت. او در سال ۱۹۳۹ پس از یاد کردن آخرین سوگندش، مادر ترسا لقب یافت.

مادر ترسا در آغاز سال ۱۹۴۲ شاهد قحطی و جنگ های مذهبی در هند بود که این کشور را از هم می گسیخت. خیابان های کلکته پر از پناهندگان تهیدست جنگ، کودکان بی سرپرست، و جذامیان بود. مادر ترسا دیگر از زندگی خود به عنوان راهبیه ای منزوی خوشنود نبود. در شش هفته ای که به پناهگاه دورافتاده دارجلینگ رفت، با ندای درون، دریافت که خدا از او می خواهد زندگی راهبگی را در صومعه لورتا ترک گوید و کوشش خود را یک سره وقف خدمت به بینوایان کند. آنگاه، مادر ترسا از کلیسای کاتولیک درخواست غیر قابل تصور و شگفت آوری کرد تا صومعه لورتا را برای مدت نامعلومی ترک کند و به خدمت بینوایان اشتغال ورزد.

فیلم «مادر ترسا: چهره ای یگانه»، دشواری ها و چالش هایی را که مادر ترسا متحمل شده است تا به ندای درون خود پاسخ گوید، بررسی می کند و نشان می دهد که چگونه او توانسته است با ایجاد «مبلغین خیریه» (The Missionaries of Charity) به هزاران نفر در ۱۲۰ کشور جهان خدمت کند و زندگی آن ها را بکلی تغییر دهد.

جلسه بحث و گفتگو پس از نمایش فیلم ها با مهمان برنامه، رضا بدیعی، شیرین بذله، و حسن فیاد بر گزار شد.

برای ادامه تحصیل به دانشگاه کلمبیا رفت اما نتوانست از آن جا فارغ التحصیل شود. در سال ۱۹۳۹ در کلاس داستان کوتاه نویسی ویت برنت که ویراستار مجله «داستان» بود ثبت نام کرد. برنت، سالیان را تشویق کرد و یکی از داستان های کوتاهش را در مجله «داستان» که شهرت و اعتبار زیادی در آن زمان داشت، منتشر کرد. سالیانجر که در این هنگام بیست و یک سال داشت از این حادثه

بسیار خرسند شد و توانست چند داستان دیگر خود را به مجله های دیگری بفروشد. در سال ۱۹۴۲ به سربازی در جنگ جهانی دوم فرا خوانده شد. بدبینی به جنگ و تاثیر آن بر نوشته های سالیانجر سایه انداخت بطوری که در اغلب نوشته های بعدی اش نوعی کسالت، ناکامی، و بدبینی احساس می شود. در داستان های سالیانجر حوادث کمی اتفاق می افتد. سالیانجر بیشتر شیفته شخصیت های

داستان ها و سخنان آن ها و محیطی است که این آدم ها زندگی خود را در آن جا می گذرانند.

سالیانجر سال ها در کورنیش، نیوهمپشایر زندگی کرد و در نیم قرن اخیر نوشته و داستانی از او انتشار نیافت. او از نیم قرن پیش با خوانندگان آثارش وداع گفته بود، و حالا، خوانندگان آثارش با او وداع خواهند کرد.

ده فیلم برجسته سال

یکی از این دو جایزه را به خود اختصاص خواهد داد.

بیگلو هفتمین زنی است که از سوی اتحادیه کارگردانان آمریکا نامزد این جایزه شده است. پیش از این، لیناورتمولر برای فیلم «هفت خوشگل»؛ ۱۹۷۶، راندا هینز برای فیلم «کودکان خدایانی مهتر»؛ ۱۹۸۶، پاربارا استرایسند برای فیلم «شاهزاده امواج»؛ ۱۹۹۱، جین کمپیون برای فیلم «پیانو»؛ ۱۹۹۳، سوفیا کوبولا برای فیلم «گمشده در ترجمه»؛ ۲۰۰۳، و والری فاریس با مشارکت جاناتون دیتون، برای فیلم «دوشیزه خردسال آفتاب»؛ ۲۰۰۶، نامزد این جایزه شدند.

معمولاً برنده این جایزه به دریافت جایزه اسکار نیز نائل می شود. در تاریخ شصت و سه ساله جوایز اتحادیه کارگردانان آمریکا تنها شش بار این جایزه به کارگردانان دیگر تعلق گرفته است. به همین جهت، پیش بینی می شود که امسال، با توجه به تغییر و تحولات سیاسی-اجتماعی اخیر، بیگلو این جایزه را از آن خود کند.

Avatar ساخته جیمس کامرون، فیلم دیگری است که رقیب سرسخت فیلم بیگلو است و از امتیازات دیگری برخوردار است که معمولاً اعضای آکادمی نمی توانند آن را نادیده بگیرند. این فیلم تاکنون بیش از دو بلیون دلار در سراسر جهان فروش کرده و رکورد فروش همه فیلم ها را شکسته است. بیش از هزاران نفر از تکنیسین های بی همتای آمریکائی روی جلوه های ویژه، بخش های انیمیشن، تصویرهای ساخت کامپیوتر و دنیای علمی-خیالی که کامرون در فیلم خود خلق کرده است، کار کرده اند و تکنولوژی سینما را گسترش داده اند و راه های



آکادمی علوم و هنر های سینما برای مطرح کردن فیلم ها و جلب تماشاگران بیشتری به پخش تلویزیونی مراسم اسکار، از چند ماه پیش تصمیم گرفت که در عوض پنج فیلم، ده فیلم را به عنوان بهترین فیلم های سال انتخاب کند. اما صرف نظر از این تصمیم آکادمی و تعبیرهای گوناگونی که از این تصمیم شده است، باید گفت که امسال، رقابت اساسی فقط میان دو فیلم است که هر کدام از مزایائی برخوردارند و بی شک یکی از آن ها برنده قطعی و نهائی بهترین فیلم سال خواهد شد.

فیلم The Hurt Locker ساخته کترین بیگلو، تاکنون اغلب جوایز سالیانه هالیوود و منتقدان سینمایی را از آن خود کرده است. اما بزرگترین امتیازی که اخیراً کسب کرده است، از سونی، بردن جایزه بهترین فیلم سال از سوی «اتحادیه تهیه کنندگان آمریکا» است و از دیگر سو، انتخاب کترین بیگلو به وسیله «اتحادیه کارگردانان آمریکا» به عنوان بهترین کارگردان سال است. هر دو این جوایز دلالت بر این می کند که بیگلو و فیلمش، اگر در هر دو زمینه موفق به دریافت جایزه اسکار نشود، لاقلاً

صعب العبور در کار فیلمسازی را برای نسل آینده هموار کرده اند. از سوی دیگر، انجمن روزنامه نگاران خارجی آن را به عنوان بهترین فیلم سال و جیمس کمرون را بهترین کارگردان سال شناخته اند. با این حال، فیلم از نظر محتوا و جنبه

فلسفی آن، در مقایسه با فیلم علمی-خیالی «سفر فضائی» کوبریک، از زمین تا آسمان تفاوت دارد و از فکر و پیرنگی تازه و اصیل برخوردار نیست. همچنین، اعضای آکادمی چندان توجهی به فیلم های علمی-خیالی ندارند کما اینکه فیلم «سفر فضائی» کوبریک،

یکی از شاهکارهای تاریخ سینما را هم در این زمینه نادیده گرفتند. با این حال، اعضای آکادمی ممکن است راه حل مناسب تری پیدا کنند. فیلم کمرون را به عنوان بهترین فیلم سال برگزینند و جایزه بهترین کارگردان سال را به بیگلو اهداء کنند.

بزرگداشت آنتوان چخوف



دیمیتری مدودوف، پرزیدنت روسیه، در ماه ژانویه به زادگاه چخوف، تاگانروک در شمال روسیه، سفر کرد تا از صد و پنجاهمین سالروز تولد نویسنده و نمایشنامه نویس بزرگ روسیه، آنتوان چخوف، تجلیل کند. رئیس کرملین ضمن نثار دسته گلی بر مزار چخوف گفت: «مردم هنوز از داستانها و نمایشنامه های چخوف نکات بسیاری می آموزند. آثاری که همچنان ماندگارند و بر نویسندگان بزرگ و سرشناسی چون جیمس جویس و ویرجینا وولف نیز تاثیر گذاشته اند.

پیتر استاین، کارگردان آلمانی که در مراسم بزرگداشت چخوف حضور داشت اضافه کرد: «نمایشنامه های چخوف، مثل تراژدی های یونان باستان و نمایشنامه های شکسپیر در تئاتر با اهمیت و ارزنده است. این هر سه را می توان ستون های اساسی تئاتر اروپایی دانست. شکسپیر نمایشنامه های یونان باستان را برای عصر جدید باز آفرید و چخوف برای مردم جهان در قرن بیستم نمایشنامه های خود را خلق کرد.»

«شکارچی» فیلمی از ایران در جشنواره فیلم برلن



«شکارچی»، یک فیلم ایرانی که وقایع آن در پس زمینه انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته اتفاق می افتد، در جشنواره فیلم برلن نمایش داده شد و مورد تحسین قرار گرفت.

فیلم داستان مردی است که همسرش در جریانات انتخابات، هنگام رویا روئی پلیس با تظاهرکنندگان کشته می شود.

رافی پیتز، کارگردان این فیلم، پس از نمایش فیلمش، در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت که از مقامات دولتی، قبل از رویداد های خونین ماه ژوئن، اجازه ساختن این فیلم را به دست آورده بود و فیلمبرداری آن نیز پیش از این وقایع تمام شده بود. اما نمایش آن در ایران، با توجه به رویدادهای اخیر، به اجازه مقامات دولتی ارتباط پیدا می کند و معلوم نیست دولت با نمایش عمومی آن در ایران موافقت کند.

نامه های چارلز دیکنز در کتابخانه هانتینگتون

کتابخانه هانتینگتون اخیراً حقوق ۳۵ نامه چارلز دیکنز، نویسنده انگلیسی را از یک کلکسیونر ناشناس خریداری کرده است و بزودی در دسترس علاقه مندان و پژوهشگران این نویسنده بزرگ قرار خواهد داد. دیکنز این نامه ها را در فاصله سال های ۱۸۳۸ تا ۱۸۶۹ نوشته است. دیکنز پاره ای از این نامه ها را به نقاش و طراح کتاب های خود هابلوت نایت براون و برخی دیگر را به رابرت لیتون، شاعر انگلیسی خطاب کرده است. دیکنز در این نامه ها به براون توضیح داده است که چگونه باید بعضی صحنه ها را در «نیکولاس نیکابای» طراحی کند.

مبلغی که کتابخانه هانتینگتون برای خریداری این نامه ها پرداخته، فاش نشده است. این نامه ها ضمیمه ۴۵ طراحی براون برای «نیکولاس نیکابای» است که کتابخانه هانتینگتون در نظر دارد با هزار نامه دیگری که از چارلز دیکنز پیش از این جمع آوری کرده است، در بخش ویژه چارلز دیکنز در دسترس علاقه مندان و پژوهشگران قرار دهد.